

## اطلاعیه شماره دوم در باره برگزاری کنفرانس موسس حزب

- میزگرد سوسیالیسم امروز حول اوضاع سیاسی ایران با رفقا:

صفحه 2

1- سلام زیجی

صفحه 6

2- کامران پایدار

صفحه 9

3- عزیز آجیکند

- اطلاعیه در باره، پیوستن ۲۴ رفیق دیگر به پروسه تشکیل حزب

صفحه 12

- حزب خائن توده، انصاف کاظم نیکخواه، صورت مسئله  
عوضی!

صفحه 12

کامران پایدار

آرم و دو اسم پیشنهادی برای حزب!



از طرف کمیسیون سیاسی تدارک کنفرانس!

- اعلام شماره حساب بانکی و رسید کمکهای مالی دریافت شده

صفحه 13

- اسامی کودکان اعدام شده بین سالهای 60-67

صفحه 13

همچنانکه در جریان هستید به زمان برگزاری کنفرانس موسس و ایجاد یک حزب سیاسی و انقلابی نزدیک میشویم. بخشی از اسناد سیاسی آن تا کنون از طریق نشریه و سایت "سوسیالیسم امروز" برای عموم قابل دسترس شده است. در این شماره و همچنین شماره آتی نشریه و سایت سوسیالیسم امروز بخش دیگری از اسناد سیاسی-علنی پیشنهاد شده به کنفرانس انتشار بیرونی پیدا میکند.

روز هجدهم اوت ۲۰۱۷ (۲۷ مرداد ۱۳۹۶) آخرین تاریخ دریافت اسناد و پیشنهادات ارسالی به کنفرانس موسس و همچنین آخرین روز ثبت نام اعضا و فعالین برای شرکت در آن خواهد بود. ما تلاش میکنیم که همزمان در مکانهایی دیگری کنفرانس برگزار شود.

هیئت هماهنگ کننده تدارک کنفرانس موسس حزب از همه کارگران و فعالین کارگری، مبارزین راه آزادی، و فعالین و دوستداران حزب میخواهد از فرصت باقی مانده استفاده نموده و در تدارک سیاسی و تاسیس چنین حزبی بیش از پیش نقش مستقیم و موثر ایفا نمایند. طبق روال تا کنونی متعهد هستیم که قرار، قطعنامه و اسناد پیشنهادی با دیدگاهها صفحه 2



## میز گرد سوسیالیسم امروز حول اوضاع سیاسی ایران

سابقشان همچنان در حبس خانگی دارند می پوسند، و همچنین در دوره پسا نمایش انتخاباتی اخیرشان که آبروی هرگز نداشته خود را بیش از پیش در مناظرها آبروبخته تر کردند، و همینطور به دلیل فاکتورهای منطقه ی و بین المللی و فشاری که در این زمینه احساس میکنند، همه دال به این واقعیت است که اکنون نمی توانند به راحتی علیه همدیگر اقدامی پر سروصدائی در دستور بگذارند.

اینها، همه جناحها و شخصیتهایشان، نسبت به سرکوب جامعه چون سگ وحشی قلاده شان رها شده است، اما در قبال عناصر کلیدی نظامشان و "توهینهای" آشکاری که به نظام و مقامات و رهبر جانی شان از خود بروز می دهند، به دلیل موقعیت عمومی نامساعدی که دارند، از جمله به دلیل آگاهی از واقعیت آتش زیر خاکستر ناراضایتی عمیق اجتماعی، و وحشتی که از کارگران و جامعه گرسنه و معترض دارند، امثال خامنه ای را هم مجبور میکند از کف چرانی دست بر دارد و در مقابل همدیگر ملایمتر ظاهر شوند. در نتیجه "سکوت" خامنه ای و "برادران قاچاقچی" اش در قبال هارت و پورت امثال احمدی نژاد، هر چند خود پدیده احمدی بنظر من پدیده زیاد جدی نیست، بخشا از سر ناچاری و موقعیت نامساعدت در سیستم رهبری جمهوری اسلامی و بخشا تلاشی آگاهانه ی در جهت مهندسی اوضاع به نفع "حفظ نظام" فاسد و آدمکش شان میباشد.

سوسیالیسم امروز: احزاب و

معضلات داخلی مانند، گسترش موج بیکارسازیها، تحمیل فقر و گرانی غیر قابل تحمل برای کارگران و مردم زحمتکش، گسترش روزافزون امار ویرانگر اعتیاد، تن فروشی و خودکشی و بیماریهای روانی، معضلات زیستی و فقر در حاشیه نشینی شهرهای بزرگ، و همزمان امنیتی تر کردن فضای جامعه و سرعت گرفتن مجدد ماشین سرکوب و اعدام و زندان، ، حاد تر شدن کشمکش "فرهنگی" ارگانهای رژیم با نسل جوان و مشکل دیرینه "پوشش" زنان، و انبوهی از مطالبات سیاسی و اقتصادی تلنبار شده دیگر و بی پاسخ در جامعه میباشد. از سوئی دیگر، وجه دیگر این تنشهای اخیر که به آن اشاره دارید انعکاسی از برخورد متفاوت و "دلواپسی های" مرتبط حول توافقات "برجام" و سطح رابطه با "شیطان بزرگ" و چگونگی دخالتگریشان در منطقه، و به علاوه کشمکش بر سر ابعاد دزدیهای کلان و "اختلاس" هر روزه سران رتبه اول نظام و افساگرهای مربوط به آن نیز هست.

چگونگی پاسخ دادن به معضلات گریبانگیر نظام شان، و چگونگی عبور دادند رژیم از معرکه در این مقطع حساس داخلی و منطقه ی اهم اختلاف و همزمان عامل اصلی درجه ای از کوتاه آمدن طرفین و توجه جدی آنها به کنترل این تنشها است. با امثال بقایی و احمدی نژاد نیز، انهم در زمانی که رفسنجانی از سر راه رفته، نخست و زیر و رئیس مجلس

سوسیالیسم امروز: بر همه عیان است که جمهوری اسلامی بعنوان حکومتی مرتجع و مذهبی از یک طرف و از طرف دیگر بعنوان دولت طبقه سرمایه دار با بحران متولد شده و این بحران را تقریباً در چهار ده حکومت کردن با خود حمل کرده است. به همین دلیل اختلافات درون حکومتی و جناحی تقریباً یکی از پایه ها ثابت رژیم بوده است. این اواخر و بعد از انتصاب مجدد روحانی این اختلافات اوج بیشتری گرفته است. اختلافات رژیم به جایی رسیده که احمدی نژاد و دار و دسته اش میگویم میگویم هاش شروع شده است. قبلاً با همچنین مواردی از طرف سازمان اطلاعات و سپاه بعنوان نمایندگان خامنه ای به شدت برخورد میشد. اکنون به نظر میرسد که رژیم با انعطاف بیشتر با اختلافات درونیش برخورد میکند و خامنه ای هم ظاهراً سکوت کرده و یا کار چندان از دستش ساخته نیست. لطفاً توضیح دهید که دلیل آن چیست؟

سلام زیجی: شما نیز به درست به آن اشاره کرده اید که جدال درونی جناحهای این رژیم به قدمت خود رژیم است. بنیاد این کشمکشها و بحرانها اگر چه ریشه در شکل سر کار آوردن چنین نظام قرون وسطی دارد در ایران، اما در عین حال تشدید تنشهای درونی رژیم در هر دوره ای حول مسائلی قطبی می گردد. یک وجه پایدار این بحرانها، از جمله در دوره اخیر در صفوف رهبری جمهوری اسلامی از یکسو انعکاسی از تشدید

و پیشنهادات مختلف را، تا جایی که جنبه امنیتی نداشته باشند، ضمن انتشار آنها در نشریه و سایت مستقیماً در اختیار کنفرانس قرار خواهیم داد.

اسناد ویژه و محرمانه، آئین نامه های کنفرانس و همچنین تاریخ و مکان و هزینه شرکت در کنفرانس تنها به اطلاع شرکت کنندگان در کنفرانس خواهد رسید.

پیشا پیش به همه شرکت کنندگان در کنفرانس موسس حزب خوش آمد می گوئیم!

**هیئت برگزار کننده کنفرانس موسس حزب**

[www.simroz.org](http://www.simroz.org)

**ادرس مایل و تلفنهای تماس:**

iransocialist2017@gmail.co  
0046762349683  
00447740076631  
00467928313004  
6700929993



**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

جریاناتی از چپ و راست مجدداً بروی این اختلافات حساب باز کرده اند و فکر میکنند و بعضاً برای آن تلاش میکنند که به کمک آن رژیم را عقب برانند و یا حتی سرنگون کنند. به نظر شما این تحلیل و ارزیابی درست است؟ و یا اساساً میشود از اختلافات درونی رژیم به نفع سرنگونی انقلابی جمهوری اسلام بهره گرفت؟

**سلام زیجی:** آنهای که دوباره روی جدال درونی رژیم "حساب باز کرده اند" دوباره کلاه سرشان می رود! و دوباره و عملاً علیه مبارزه آزادیخواه و مستقل جنبشهای مترقی علیه رژیم سیاست خواهند کرد. بخشا به دلیل عوارض همین سیاستهای پوچ و غیر انقلابی است که این رژیم نامتمدن و بی ربط به یک جامعه بزرگ و متمدن توانسته است ۳۸ سال حاکمیت کند و بخش اعظم آن مردم را با سیاه روزی و فقر و نابودی سوق داده است، و جامعه له شده ایران را زیر چکمه های خونین جمهوری اسلامی رها شده می بینیم.

ما با صدای بلند میگوییم نخیر! از سر امید بستن به کشمکش درونی رژیم هیچ عقب نشینی به رژیم نمیتوان تحمیل کرد. همانگونه که در ۳۸-۳۹ سال اخیر نتوانسته ایم. به نیروها و آن دسته از مردمی که از این ۳۹ سال درس نگرفته باشند براستی چه باید گفت؟ ما میگوییم آنهای که امروز رنگ سبز و اعتدال و اصلاح طلب و دلواپس بر صورت خود مالیدند جز جنایتکارترین طیف و تاریخ وحشتناک جمهوری اسلامی بوده و هستند. بروید آمارهای مستند کشتارها و کودکان اعدامی و

تجاوز و ویرانیها را دوباره بخوانید و بررسی کنید و به نسل جدید منتقل کنید. اینها با داعش امروز یک سر سوزنی فرق نداشتند! از طریق اینها هیچ اتفاق مثبتی برای جامعه رخ نداده و نخواهد داد.

بنظر من سناریو دقیقاً بر عکس است! این رژیم بوده که توانسته است همواره نه تنها از کانال توهم پراکنی و کاشتن تخم انتظار و یاس و عوامفریبی و دروغ و تهدید و سرکوب حول کشمکشهای درونی اش در جامعه راه را برای تعمیق بحران صفوف خودش در هر دوره ای سد کرده است، که از این مجرا نیز توانسته اپوزسیون چپ و راست خود و حتی جامعه را نیز به عقب نشینی های فاحشی وادار کند و بخشا آنها را به بازی بگیرد. با این ترندها نه تنها عنصر مبارزه انقلابی و عمل انقلابی و نفس سرنگونی را همین امروز حاشیه ای کرده اند، که کل جنایت هولناک خود و دنیائی از مطالبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و غیره را در پوشش این کشمکشها و پرت کردن سیاست توهم آمیز و نمایش انتخاباتی "بد و بدتر" و دادن هزاران قول و دروغ دیگر به جامعه به بستر یک جامعه ویران شده به حاکمیت ننگینش ادامه می دهد.

شما وقتی قادر خواهید بود که از شکاف دشمنان به نفع خود بهره ببرید که اولاً پرچم روشن و رادیکالی حی و حاضر در جامعه را نمایندگی کنید، دوماً نیروی جدی در معادله قدرت باشید، سوماً جامعه شما را به عنوان الترناتیو و نیروی سرنگونی طلب در زمین سفت مبارزه قبول کرده باشد، به دولتهای ارتجاعی دیگر متکی نشده نباشید، مورد اعتماد جنبش

ات و جامعه باشید، یک آینده و پرچم انقلابی و مدرن و حامل خوشبختی را نمایندگی کنید. به معنای دقیق کلمه و در پراکتیک سیاسی-مبارزاتی- سازمانی روزانه ات سرنگونی طلب باشید، نه فقط در حرف و شعار ادعایی انرا داشته باشید!، بلکه این ظرفیت را داشته باشید که اگر خیز برداری بتوانید رژیم را ساقط کنید و جامعه آزاد و مرفه و برابر و امن برقرار کنید. شما به من بگوئید کدام یک از اپوزیسیون راست و چپ کنونی در این موقعیت قرار دارند؟ تنها در چنین شرایط و تناسب قوای است می توان از اختلافات درونی رژیم به "نفع سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی" سخنی به میان آورد، غیر از این هر شکلی از اتکا به چنین کشمکشهای عملاً به بقای رژیم کمک کردن و بازی در میدانی که رژیم تعیین کرده است در غلنیده آید و به بازی گرفته میشود.

چنانچه ما کار جدی تری نکنیم، با اتکا به سیاست و سازمان و جنبش خودمان ملزومات سرنگونی انقلابی رژیم را فراهم نکنیم، در بعد عملی و همه جانبه ی نبرد سیاسی، اقتصادی و نظامی به منظور سرنگونی کلیت رژیم سازمان ندهیم و شروع نکنیم، بدون تردید بطور خودبخودی و از راه "مبارزه مردم"، و فریبکارانه تر از آن، از راه امید بستن به "کشمکش جناحهای درونی رژیم، و اینکه مردم از کانال این کشمکشها یا "رقابت انتخاباتی" درون خانواده جمهوری اسلامی "بهبانه"ی چون "رای من کو" پیدا میکنند و میبندند بیرون و "انقلاب" میکنند و غیره هیچ تحول انقلابی به نفع طبقه کارگر و مردم تشنه

آزادی نه تنها رخ نخواهد داد، بلکه در بهترین حالت چیزی جز تکرار سناریو ویرانگر سال ۵۷ نسیب کارگر و کمونیسم و صف آزادیخواهان نخواهد شد.

این نظام وحوش اسلامی را باید ما کارگران و مردم آزادیخوا با زور و قهر انقلابی به اندازیم! خودشان رفتنی نیستند! بطریق اولاً نه کشمکش درونی رژیم و نه سیاست رژیم چنج روزنه و راهی برای رفتن و یا اصلاح و تغییر آنها نیست! تجربه نشان داده است که چنین سیاست و چشم اندازی به نفع بقای جمهوری اسلامی تمام شده و خواهد شد.

**سوسیالیسم امروز:** از طرف دیگر با روی کار آمدن ترامپ بعنوان رئیس جمهوری آمریکا و مخالفتهای بیشتر ترامپ با رژیم ایران در پیامهای بار دیگر رژیم چینج و سرنگونی رژیم با اتکا به دولت آمریکا و قدرتهای غربی را در دستور بخشی از اپوزیسیون راست از جمله مجاهدین و سلطنت طلبان و احزاب کرد قرار داده است و همچنانکه در گذشته هم شاهد آن بوده ایم این مسئله بروی سیاستهای احزاب چپ هم تاثی داشته است. از نظر شما آیا آمریکا تصمیم به تغییر رژیم را دارد؟ آیا کارگر و مردم زحمتکش با امید بستن به آن از این مسئله نفعی میبرند؟

**سلام زیجی:** وقتی بدانند که افتادن این رژیم به نفع جامعه، طبقه کارگر، سوسیالیستها و پیشرفت و تعالی انسانی خواهد بود هرگز برای نه تنها سرنگونی که تضعیف جمهوری اسلامی نیز تلاش

**پیش بسوی تشکیل کنفرانس موسس حزب!**

نمی‌کنند. این رژیم اسلامی دقیقاً شبیه داعش امروز همین امریکا و دولتهای غربی ۳۹ سال پیش سر کار آوردند و به ما تحمیل کردند. تا روزی که منفعت واقعی آنها را به خطر نه اندازند چنین سیاستی را بطور جدی اتخاذ نخواهند کرد. امریکا اگر هم قرار باشد اقدام جدی علیه ایران در دستور بگذارد اساساً در رابطه با کشمکش بین المللی خود با قطبهای مقابل خود از جمله روسیه و چین است درست مانند سوریه و عراق و یمن و غیره. از سوی دیگر موقعیت کنونی و تضعیف شده تر جهانی امریکا دست او را بیش از پیش بسته است برای دست بردن به چنین اقدامهای بزرگ و پر هزینه ای. آنها امروز از دست کره شمالی در هراس افتاده اند و راهی ندارند حالا چگونه خواهند توانست یک رژیم دیگر را در این منطقه مملو از بحران و جنگ را بر دارند و براحتی داستان را فیصله دهند.

من فکر میکنم نباید در میان هیاهوی و چرت و پرت ادعاهای امثال خامنه ای یا ترامپ خود را غرق کنیم. وجود اینها برای بورژواها و دشمنان طبقه کارگر و مردم آزادیخواه، چه اسلامی-ناسیونالیستی ایرانگیری و چه راسیستی- امریکائی گری لازم و ملزومه همدیگرند. برای پیشبرد سیاستهایشان و تامین منافع طرفین و کلاه گذاشتن سر جامعه و دور زدن از بحرانها و جدلهای عمیق درونی خودشان نیاز به چنین هارت و پورتهای دارند. افکار عمومی جامعه به شکلی باید به سوی "بیگانه گان" و خطر آنها مهندسی گردد. البته قصد من این

نیست که بگویم از این افراد یا دولتها اعمال جنایتکارانه و احمقانه ممکن نیست. این دو دولت، هم جمهوری اسلامی و هم امریکا، جز جنایتکارترین نظام و دولتهای تاریخ معاصر هستند. اما جنایتکاران تاریخ نیز حساب تناسب قوا را برای بقای نگین خود و اینکه آیا توان انجام هر کاری را دارند خواهند کرد.

البته از داشتن پتانسل سناریو سیاهی ورژیم چنچی و نوکر منشی نیروهای که اسم برده اید سر سوزنی تردید وجود ندارد. بنظر من یکی از مخاطرات آتی برای جامعه ایران با دخالت امریکا یا بدون دخالت آنها همین نیروهای ارتجاعی به اضافه اسلامی های دیگر هستند. اما مستقل از عکس گرفتنها و فیل هوا کردنهای امثال رضا پهلوی و خانم رجوی و ورشکسته گان نان به نرخ روز خور چون عبد الله مهتدی و آمادگی خدمت گذاری مزدورمنشانه اینها در رکاب ارتش امریکا و عربستان و غیره، بنظر من هنوز هیچ کدام از این جریانات در موقعیتی نیستند که حتی امریکا آنها را به عنوان "آلترناتیو" رویشان حساب باز کرده باشد. بیشتر خاصیت ایزاری و اجیر کردن آنها مورد نظر است برای ایجاد فشار علیه ایران و امتیاز گرفتن از جمهوری اسلامی. این سیاست چه مستقیماً از طریق امریکا و یا از کانال امثال عربستان دارد دنبال میشود. اما در هر صورت جامعه ایران و جنبش ما نقش مخرب این بخش از اپوزیسیون ارتجاعی را باید جدی بگیرد!

میخواهم بگویم بنا به دلایل فوق و استراتژیها و منطقاً فعلاً چشم انداز اقدام مستقیم امریکا، به ویژه اقدام نظامی و طرح رژیم چنچی علیه ایران را زیاد

محتمل نمی دانم. حداقل نه در این دوره معین. باید توجه داشت که اولاً جمهوری اسلامی واقعا منافع امریکا را به خطر نه نداخته است، بر عکس در خیلی موارد کمک کننده و هم قطار همدیگر در منطقه هستند. کافی است ایران دست از هیاهوی موشک پراکنی دست بردارد، کافی است که ترامپ هم سر عقل بیاید و بفهمد که در قلب جمهوری اسلامی حتی شعار "مرگ بر امریکا" نیز جایگاهی ندارد، چه رسد به مخاطره انداختن منافع امریکا در منطقه. همچنین باید متوجه شد خود موقعیت فردی و کابینه ترامپ در بدترین تاریخ سیستم حاکمیتی امریکا قرار دارد. روسیه اعتبارش را زیر سوال برده در جهان. چنین دولتی قبل از اینکه در فکر سرنگونی کسی دیگری باشد باید تلاش کند تا جان سالم دولت فاشیستی خود را از دست موقعیت متزلزل کنونی اش در خود امریکا نجات دهد. به علاوه، امریکا بسیار در موقعیت تضعیف شده تری نسبت به سالیان پیش در جهان و منطقه قرار دارد. چین و عراق و سوریه و ایران و حتی ترکیه و مصر و غیره امروز متحدین روسیه در مقابل امریکا قرار دارند. امثال روسیه امروز به راحتی اجازه نمی دهد امریکا مانند سابق اسب خود را چهارنعل براند. در ضمن در خاورمیانه و در دوره ای که هم اکنون با تحمیل جنایتکارانه سناریو سیاه و نابودی و در جنگ فرو بردن چندین کشور دوباره آتش جنگ به مراتب ویرانگرتر را بر افروخته اند کار آسانی نخواهد بود. کسی که چنین نقشه ضد انسانی داشته باشد لابد برای شروع جنگ منطقه ای و حتی جهانی نیز خود را حاضر کرده است.

بنظر من حتی دیوانه ها هم وقتی با چشمان خود لت و پار شدن کودکان و مردم بی دفاع را در بعد میلیونی در چندین کشور هم اکنون دارند می بینند هرگز آرزوی تکرار آن در مملکت و شهر و محله و کوچه خود را نخواهند کرد! نه تنها نباید به چنین افقی امید بست که یک رکن مهم رهایی از دست نکبت جمهوری اسلامی و رسیدن به جامعه ی آزاد، برابر، مرفه و خوشبخت دقیقاً از کانال تنفر از نقش امریکا و دخالت آن در منطقه و ایران و از کلیه نیروهای اپوزیسیونی میگردد که یا به سناریو امریکائی پشت بسته اند یا در کنار جمهوری جنایتکار اسلامی قرار گرفته اند برای تداوم این جدال و سرکوب تحمیل جامعه. ما فقط به خود، به نیروی متحد و مبارزاتی جنبشمان باید متکی باشیم! جمهوری اسلامی محصول همین امریکا و دخالت جنایتکارانه دولتهای غربی بود نباید یکبار دیگر آن تجربه تلخ را تکرار کنیم و به دام سیاست دولتهای جنایتکار و قلدر و فریبکار افتاد.



سوسیالیسم امروز: در کنار مسائلی که در باره آن اشاره شد ما شاهد بالا گرفتن اعتراض و اعتصابات کارگری و مردمی از جمله: اعتصاب کارگران مخابرات، تجمع و اعتصاب زیاد و نسبتاً سراسری کارگران، معلمان و کارمندان بازنشسته، کارگران فشار قوی برق، کارگران پتروشیمی، اخیراً هم اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و تظاهرات مردم برای باز پس گیری سپرده هایشان از بانگ و موارد دیگر هستیم. به نظر شما رابطه ای هست مابین این اعتصابات و اعتراضات با بحران و اختلاف جناحهای حکومت و یا سیاست رژیم چینج از بالا؟

سلام زیجی: من فکر میکنم هیچ رابطه مثبتی بین این مبارزات با کشمکش درونی رژیم و یا بقول شما با سیاست رژیم چینج وجود ندارد! این مبارزات و مقاومت و اعتراض به تعرض لجام گسیخته کلیت جمهوری اسلامی به جامعه، از جمله به معیشت طبقه کارگر و مردم زحمتکش است، اعتراض به گرسنگی، بیکاری، بی پولی، به سرکوب و زورگویی، به مجبور کردن شرافتمندانه ترین انسانها به تن فروشی و اعتیاد و اجبار به کار کودکان، اعتراض به دستمزدهای معوقه و زندان و اعدام و دیگر اجحافات و نبود آزادیها است. این جدال و جنگی است که بنیاد تناقض و بحران و کشمکش درونی رژیم را در این سه-چهار دهه تعریف می کند. این جنگ همیشه وجود داشته است اما متأسفانه بدون یک افق، یک سیاست، یک آلترناتیو انقلابی قدرتمند، بدون تشکل و تحزب گسترده،

و بدون حضور جدی احزاب نیرومند کمونیستی و مترقی و مرتبط به این مبارزه جریان داشته است.

اگر "اختلافات جناحهای حکومت یا سیاست رژیم چینج" تاثیری در این مبارزات گذاشته باشد بنظر من همواره یک تاثیر گذاری منفی و زیان آور بحال این مبارزات بوده است. هر جنبش مبارزاتی و طبقاتی رادیکال و آزادیخواهی که در مبارزه و جدال برای کسب آزادی و برابری و کنار زدن حاکمیت مستبد در انتظار رسیدن دست های دیگری برای رهایی خود باشد حتماً یک جامعه منفعلی خواهد بود و عتماً ها نخواهد شد. و چنانچه فکر کند از کانال توصل به جناحی در صف سرکوبگران خود، یا یک دولت سرکوبگر خارجی، قادر به "رهائی" و "پیروزی" خواهد بود، بی تردید دوباره به وسیله همان دست ظالم "نجات دهنده" به سوی سلول و انزوا و از خود بیگانگی و عدم استقلال و نبود آزادی سوق داده خواهد شد.

تجربه نه فقط سر کار آمدن جمهوری اسلامی، که تجربه ۳۸ سال توسل به جناحهای درون همین رژیم جانی و همچنین تجربه رژیم چینج" جنایتکارانه نابود کردن دهها میلیون انسان در سوریه و عراق و افغانستان و یمن و غیره همه گواه بر اشتباه بودن اتکا به این روزنه های ویرانگر و وحشتناک است. هرگاه جنبشهای اعتراضی و آزادیخواهانه و رهبران آن به جدال درونی رژیم یا دخالت کشور دیگری امید بسته باشد به همان نسبت تاثیر مخرب بر آن مبارزات در جهت دستیابی به آزادی و برابری و تامین اتحاد و هژمونی انقلابی بجا گذاشته

اند. بدین ترتیب چنین سیاستی نه در جهت تقویت و پیشروی آن مبارزات، که عملاً به پس رفت و تضعیف آن جنبش، و به توهم آفرین و ایجاد اغتشاش در صفوف توده های مبارز و معترض منجر خواهد شد.

**سوسیالیسم امروز: وظایف فعالان کارگری، کمونیستها و فعالان جنبشهای اجتماعی در این شرایط چیست؟**

سلام زیجی: مدتی پیش مقاله ای تحت عنوان "ملزومات و ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی" را در همین نشریه "سوسیالیسم امروز" نوشته بودم که اساساً حول پاسخ به همین سوال شما بود. از نظر من بخش عمده جمع بندی پایانی آن مقاله کماکان مهمترین وظایف دوره کنونی فعالین کارگری، کمونیستها و فعالین جنبشهای مبارزاتی و اجتماعی را در جهت تدارک ملزومات مناسبتر برای پایان دادن به عمر جنایتکارانه جمهوری اسلامی میباشد. در اینجا توجه شما را به آن مجدداً جلب میکنم:

۱- باید تلاش کرد که کلیه- مخاطرات سناریو سیاه کنونی (خطرات تحمیل جنگ داخلی) را با قدرت و صلابت سیاسی و اجتماعی رفع کرد.

۲- ضروری است که جنبشهای اجتماعی رادیکال کارگری، زنان و جوانان و رهبران آنها در قامت صاحب جامعه ظاهر شده و با ایجاد فوری تشکلهای توده ای مستقل از دولت به عنوان ابزارهای نبرد سیاسی و طبقاتی خلا بزرگ کنونی را رفع کرد.

۳- رهبران و فعالین جنبش کارگری و کمونیستی بیش از پیش ضروری است از گذشته

درس بگیرند. بر ایجاد تحزب و صف مستقل و سوسیالیستی جنبش خودمان بیش از پیش پای فشاری کنیم. شعار "همه با هم" ترفند صف بورژواها و ارتجاع علیه جنبش ما است.

۴- علیه هر شکلی از نفرت قومی و مذهبی و هر جریانی که با پرچم قومی و مذهبی از جمله از نوع فریبنده و ارتجاعی مذهبی، (اعم از شیعه یا سنی)، یا پرچم و اهداف ویرانگر دیگر "ملی"، "فدرالی"، "مشروطه" یا پادشاهی" خود را تعریف کرده و علیه آنها مقابله قاطع شود.

۵- تحزب کمونیستی کارگران و فعالین جنبشهای آزادیخواهی از نظر من حلقه کلیدی در روند سرنگونی جمهوری اسلامی و دست یابی به آزادی و سوسیالیسم است. در همین راستا، تامین رهبری کمونیستی و هژمونی سوسیالیستی در صحنه مبارزه سیاسی و طبقاتی ایران شرط اول به پیروزی رساندن روند سرنگونی جمهوری اسلامی با کمترین مخاطره و همچنین تنها پرچمی است که ایران بعد از جمهوری اسلامی مصادف خواهد شد با یک جامعه ای آزاد، برابر و مرفه و مدرن. در این راستا جنبش ما به احزاب سیاسی انقلابی و "حزب رهبر و سازمانده" نیاز مبرم دارد.

۶- سازماندهی میلیس مسلح توده ای در محل کار و زیست به عنوان ارکان فردای ارتش سرخ آزادی و بازوی مسلح کارگران برای دفاع از آزادیهای سیاسی و امنیت اجتماعی و مقابله با

عوامل جمهوری اسلامی و نیروهای سناریو سیاهی از میرمیت بسیار زیادی برخوردار است.

۷- واقعیت این است که جمهوری اسلامی را صرفا با اعتراضات پراکنده و یا از کانال مبارزه "مدنی"، "حقوق بشری"، پروپاگاندا میدیائی" و یا کار "آگاهگرانه" و مردم را در صف انتظار کشمکش های درونی رژیم نگاهداشتن و هر چهار سال یکبار به جدال "انتخاباتی" امیدوار نمودن را نمیتوان تضعیف کرد و به زیر کشید. این روند روند تضعیف خود ما بوده و هست. جمهوری اسلامی را فقط با زور، زور اعتراض و اعتصاب یکدست و گسترده کارگری و توده ای، همراه و همزمان با قیام مسلحانه توده ای گسترده که متکی است به هدف و نقشه روشن کمونیستی و آزادیخواهانه میتوان از سر راه برداشت.

۸- همچنانکه تاکید شد، به منظور به سرانجام رساندن مبارزه ۳۸ ساله طبقه کارگر، زنان و جوانان مترقی و سوسیالیست و برای دست یابی به امر سرنگونی انقلابی جمهوری جنایتکار اسلامی و ساختن یک جامعه آزاد و برابر و مرفه نیازمند ایجاد فوری احزاب سیاسی و سوسیالیستی انقلابی نوین و متعلق به این مبارزه و افق و استراتژی هستیم!

۹- کسب حمایت بین المللی نیروهای کمونیست، کارگری و افکار عمومی مترقی جهان به منظور میرمیت سرنگونی جمهوری اسلامی، حمایت از مبارزه ما، و تاکید بر عدم دخالت

موزیانه دولتهای غربی علیه مبارزه آزادیخواهانه، سوسیالیستی، کارگری یک وظیفه مبرم و یکی از ملزومات تسریع کننده در امر سرنگونی جمهوری اسلامی است.

بدین ترتیب سرنگونی جمهوری اسلامی، سرنگونی که منجر به تکرار تاریخ تلخ دوره سال ۵۷ نباشد، نوعی از سرنگونی که در آن آزادی، برابری، کارگر، زن، جوان، انسانیت و سوسیالیسم پیروز گردد مستلزم تامین آن حداقلی است که مختصرا اشاره کردم. مهمترین وظیفه هر انسانی که آرزوی آزادی و برابری را دارد دقیقا از همین طریق قابل تعریف خواهد بود.

ما سرنگونی رژیم چنچی نمی خواهیم، ما سیستم قومی و فدرالی نمی خواهیم، ما تکرار نظام ورشکسته شاهنشاهی را نمی خواهیم، ما هر شکلی از تلاش برای تبدیل ایران به سوریه و عراق کنونی را جنایت بزرگ ضد بشری می دانیم، ما هیچ شکل دیگری از قوانین و سیستم مذهبی را تحمل نمی کنیم، ما فقط برای آزادی و برابری و امنیت و رفاه همگانی و یک جامعه سوسیالیستی در ایران تلاش می کنیم. تامین و تحقق چنین آینده ای وظایف خطیر هر مبارز و کارگر و کمونیستی است!

از نظر من اگر ما حاصل سرنگونی جمهوری اسلامی تحقق اهداف فوق نباشد، جامعه ایران، طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و همه ما یکبار دیگر بازنده دست ارتجاع خواهیم بود. اگر این هدف متحقق نگردد روشن است که ما از هم اکنون دنبال وظایف بیهوده ای رفته ایم.

ایجاد حزب سیاسی جدید سوسیالیستی و انقلابی را برای تحقق این امر مهم می خواهیم. داشتن یک حزب بزرگ، سیاسی، ملیتانت و اهل عمل یکی از پیش شرطهای اولیه و مهم هر تحول انقلابی به نفع کارگران و جامعه است. تلاش برای ایجاد چنین حزبی وظیفه محوری همه ما است.

همه را به این تلاش و پیوستن به چنین حزبی که در حال ساختن آن هستیم فرامی خوانیم!"

## میز گرد سوسیالیسم امروز حول اوضاع سیاسی ایران

کامران پایدار

**سوسیالیسم امروز:** بر همه عیان است که جمهوری اسلامی بعنوان حکومتی مرتجع و مذهبی از یک طرف و از طرف دیگر بعنوان دولت طبقه سرمایه دار با بحران متولد شده و این بحران را تقریبا در چهار ده حکومت کردن با خود حمل کرده است. به همین دلیل اختلافات درون حکومتی و جناحی تقریبا یکی از پایه های ثابت رژیم بوده است. این اواخر و بعد از انتصاب مجدد روحانی این اختلافات اوج بیشتری گرفته است. اختلافات رژیم به جایی رسیده که احمدی نژاد و دار و دسته اش میگم میگم هاش شروع شده است. قبلا با چنین مواردی از طرف سازمان اطلاعات و سپاه بعنوان نمایندگان خامنه ای به شدت برخورد میشد. اکنون به نظر میرسد که رژیم در همین مواردی با انعطاف بیشتر با اختلافات درونیش برخورد میکند و خامنه ای هم ظاهرا سکوت کرده و با کار چندانی از دستش ساخته نیست. لطفا توضیح دهید که دلیل آن چیست؟

**کامران پایدار:** همانطور که خودتان هم می گوئید جمهوری اسلامی بعنوان یک حاکمیت مرتجع واپسگرا و مذهبی از نوع اسلام سیاسی از همان اولین روزهایی که با حمایت سرمایه داری جهانی برای سرکوب انقلاب سال 57 به قدرت

رسانیده شد، بحران و اختلافات درونی باندهای حکومتی هم دارای تاریخی 38 ساله و به قدمت همه عمر حکومت است. بحرانها و اختلافات درونی ذاتی و همیشگی این حکومت است. ساختار مذهبی و ارتجاعی حکومت، باندهای مافیایی جنایتکار و فاسد و، اختلافات و منازعات حکومت اسلامی با سیستم سرمایه جهانی بدلیل ماهیت متناقض و ناسازگار سیستم مذهبی حکومتی از نوع اسلام سیاسی و... همه اینها و دیگر فاکتورهای موجود همگی موجب شده است تا این حاکمیت همیشه دست به گریبان اختلافات و بحرانها و انواع کشمکشها ی درونی و بیرونی باشد. اختلافات حکومتی هر از چند گاهی حاد و شدید می شود و هر گاه کلیت حکومت و باندهایش از جانب مبارزات مردمی احساس خطر می کنند بسرعت به یکدیگر نزدیک شده، متحد شده و همیشه همه باندها و دسته جات حکومتی برای حفظ و دوام و بقای این سیستم فساد و جنایت و سرکوب با هم متحد و همراه بوده اند. اختلافات پدید آمده ای نیست هر چند گاه یکبار غلیان می یابد و هر گاه احساس خطر می کنند در یک توافق ماهیتی دوباره متحد می شوند. از طرف دیگر اختلافات حکومتی، سپاه بازی و این مراسمات شعبده بازی مضحک همیشه از جانب کل حکومت بعنوان ابزاری برای انحرافات مبارزات مردمی، برای عوامفریبی، برای تحمیق و برای در انتظار گذاشتن مردم و کشیدن سوپاپ جامعه ای که در حال انفجار است بکار گرفته شده است. منشا و اساس اختلافات باندهای حکومتی در چند مورد مشخص و معین است. تنازع بقا و کسب قدرت بیشتر، سهم بری بیشتر از ثروتها و منابع بادآورده افسانه ای و نجومی و سوم چگونگی اختلاف سلیقه برای سرکوب مبارزات مردمی و کنترل یک جامعه در حال انفجار و عاصی و همچنین چگونگی روابط و مراوداتشان با سرمایه جهانی و غرب. جناح اصولگرایان که همان باند سپاه پاسداران و خامنه ای است علیرغم آنکه از همه بحرانها و مشکلات لاینحل حکومت آگاه است ظاهرا همچنان بر ضدیت با آمریکا و غرب و حفظ معیارها و مذهب و اسلامش پای

می فشارد و... باند‌های اصلاح طلب و سبز و اعتدال‌ش هم از همان روزاول فهمیده اند با این اسلام و احکام قرون وسطایی اش و با این انزوای جهانی در دوره انتگراسیون و جهانی شدن سرمایه و با این انزوای جهانی ادامه کاری و بقای حکومت امری دشوار و نزدیک به محال است. اینها میخواهند برای تخفیف و کاهش و فرار از مخاطراتی که از طرف جامعه تهدیدشان می کند قدری افسار اسلام را بکشند و گاهی هم به غرب و سرمایه جهانی لبخند و چشمکی بزنند. حالا در یک فضای توهم و دروغ و جنایت باند اعتدال روحانی برای یک دوره 4 ساله بر قدرت نشسته است. حسین فریدون برادر روحانی که به جرم اختلاس و دزدی در زندان و دادگاه بود در آئی آزاد میشود و بقایای معاون سابق احمدی نژاد تیر خلاص زن به جرم اختلاس و فساد مالی را به زندان می برند و با وثیقه بیست میلیاردی دوباره آزاد می شود بقایای به محض آزادی از زندان در مصاحبه ای می گوید کل حکومت در حال سقوط است؟! احمدی نژاد هم بغ بغ می خواند که بگویم بگویم... آن دیگری هم قالی باف جانی و کمیته چی سابق اخیرا مدعی شده می خواهد جریان نو اصولگرایی راه اندازی کند و... این کل داستان و این کل ماجرای باند‌های فاسد و قاتل و جنایتکار حکومت اوباش اسلامی است. اگر خامنه ای هم سکوت می کند، اگر خامنه ای هم گاهی به میخ و گاهی به نعل می زند به عبث می کوشد تا بالانس عمومی و ساختار کلی حکومت حفظ شود.

## سوسیالیسم امروز:

احزاب و جریاناتی از چپ و راست مجددا بروی این اختلافات درون حکومتی حساب باز کرده اند و فکر میکنند و بعضا برای آن تلاش میکنند که به کمک آن رژیم را عقب برانند و یا حتی سرنگون کنند. به نظر شما این تحلیل و ارزیابی درست است؟ و یا اساسا میشود از اختلافات درونی رژیم به نفع سرنگونی انقلابی جمهوری اسلام بهره گرفت؟

## کامران پایدار: همانطور

که گفتم تاریخ و قدمت اختلافات حکومتی یک تاریخ 38 ساله و به اندازه همه عمر کثیف و ننگین این حکومت است. از همان روز اول هم هر یک از احزاب و سازمانها و جریانات سیاسی به فراخور جایگاه طبقاتی خود در برابر این اختلافات تعیین موضع و سیاست کرده اند. در همان اولین سالهای انقلاب 57، در آن دوره برخی احزاب و جریانات ارتجاعی و فرصت طلب، شرق زده و مذهبی چون حزب توده و سازمان اکثریت و جنبش مسلمانان مبارز و... که زایده های کمونیسم اردوگاهی و حکومت شوروی در آن زمان بودند با شعار تشکیل جبهه متحد خلق و دفاع از خط ضد امپریالیستی و ضد استبدادی امام خمینی! و تزه های سراپا وارونه و دروغی چون راه رشد غیر سرمایه داری و حمایت از جنبشهای آزادیبخش ملی به میدان معرکه وارد شدند. در دوره ای جریاناتی باند سیاهی و ارتجاعی چون مجاهدین سیمای اسلام راستین محمد و علی را در چهره آخوندهای خوش خیمی چون پدر طالقانی میدیدند... در دوره دیگری برخی از احزاب چپ (مذعی کمونیسم کارگری) (ح ک ک) حوادث و تلاطمات سال سال 88 را انقلاب نام نهادند و با شعار انقلاب انسانی به پیشوازش شتافتند. اما تکرار همه این مکررها خطایی بزرگ و بی نتیجه است. از نظر ما هر اندازه اختلاف و تشنت و هر آن چیزی که بتواندحتی میلیمتری صفوف حکومت اسلامی را تضعیف نماید در جهت پیشبرد مبارزات انقلابی مفید و موثر است. اما در عین حال و در کل همه واقعیتهای هزار بار مکرر شده می گوید اختلافات و منازعات درون حکومتی به کمونیستها و طبقه کارگر و همه انسانهای مبارز آزادیخواه و برابری طلب تا مربوط و بی ربط است. چاره ما کارگران سازمانیابی از پایین و انقلاب کارگریست. حالا اگر برخی جریانات سیاسی راست و غیر کارگری چون ح ک ک اسب آمال و آرزوهایشان را به یال و کوپال این اختلافات گره زده و می زنند بحث دیگری است.

## سوسیالیسم امروز:

از طرف دیگر با روی کار آمدن ترامپ بعنوان رئیس جمهوری امریکا و مخالفت‌های بیشتر ترامپ با رژیم ایران در پیامهای بار دیگر رژیم چینج و سرنگونی رژیم با اتکا به دولت امریکا و قدرتهای غربی را در

دستور بخشی از اپوزیسیون راست از جمله مجاهدین و سلطنت طلبان و احزاب کرد قرار داده است و همچنانکه در گذشته هم شاهد آن بوده ایم این مسئله بروی سیاستهای احزاب چپ هم تاثیر داشته است. از نظر شما آیا امریکا تصمیم به تغییر رژیم را دارد؟ آیا کارگر و مردم زحمتکش با امید بستن به آن از این مسئله نفعی میبرند؟

## کامران پایدار: با ریاست

جمهوری ترامپ و به قدرت رسیدن راست افراطی در امریکا به نسبت شرایط با آن چیزی که در دوره اوباما بود دستخوش تغییرات و تحولاتی شده است. اما باید توجه داشت این شخص ترامپ نیست که بر همه مقدرات و تعیین و تدوین سیاستهای حاکمیت امریکا دخیل است. در حقیقت این منفعت و سود کارتلها و تراستهای بزرگ سرمایه داری است که نوع و چگونگی حاکمیت و سیاست خارجی امریکا را تعیین می کند. من شخصا فکر می کنم با توجه به شکستهای مفتضحانه میلیتاریسم امریکایی در افغانستان، در عراق و سوریه با توجه به هزینه ها و تبعاتی که برای امریکا داشته است. با توجه به بحران و ورشکستگی و افول سود و سرمایه از سال 2008 به این سو در امریکا و از طرف دیگر با توجه به خشم و اعتراضات سراسری کارگران و زحمتکشان امریکا، نارضایتی سراسری و همگانی در اعتراض به فقر و گرسنگی و بیخانمانی و بی اعتمادی سراسری به سیاستهای هیات حاکمه در امریکا فعلا و در این شرایط مسئله تهاجم و حمله نظامی به دیگر ممالک دنیا برای حکومت امریکا قابل اجرا و مقدور نیست. با این وجود ما مدام شاهد مانور و عرو تیز ترامپ و هیات حاکمه و شخص ترامپ بر علیه حکومت اسلامی هستیم. مانند تحریمهای مجد د و جدید امریکا علیه حکومت اسلامی به بهانه تولید و آزمایش موشکهای بالستیک با کلاک هسته ای که اخیرا در سنای امریکا تصویب و به امضای ترامپ هم رسیده و البته می تواند حامل تبعات و سیگنالها یی منفی برای جامعه ما باشد. یا همراهی انگلیس و آلمان و فرانسه با امریکا در محکوم نمودن حکومت اسلامی و سیاستهای تروریستی و جنگ افروزان اش و... من فکر می کنم علیرغم اختلافات و جفتک پرانی های مابین و متقابل ترامپ و حکومت اسلامی هر دوی این جبهه نیازمند یک نوع همزیستی مسالمت آمیز می

باشند تا جنگ و ستیز و رژیم چینج و... فعلا در این برهه از زمان. البته این بازی و اختلافات اخیر موجبات امید و شادی و تحركات مذبوحانه ای را در صفوف جریانات راست و ناسیونالیستی و سناریو سیاهی فراهم آورده است. جریانات باند سیاه و مزدورو ضد جامعه ای چون کومه له زحمتکشان و در راستش عنصر بی آبرو عبدالله مهدی و تلاش برای ایجاد جبهه کردستانی، احزاب مرتجع و ناسیونالیستی دمکرات و انواع سر شاخه هایش از مصطفی هجری تا خالد عزیز گرفته و حتی سرخوردگی کومه له عزیز از مبارزات کارگری و چپ و انقلابی و شیفت و گرایش این جریان به احزاب و نیروهای ارتجاعی و ناسیونالیستی و... از آن طرف تحركات اخیر شاه پرستان و اعوان و انصار شاهزاده نیم پهلوی و... از طرف دیگر شورای ملی مقاومت و فرقه باند سیاهی سازمان مجاهدین، بله، همه این سرخوردگان و ورشکستگان احزاب و جریانات باند سیاهی و ضد جامعه که تا دیروز درکنج انزوا و سرخوردگی ناخونهایشان را می جویدند در یک توافق اعلام نشده و حالا با سوت بابا ترامپ به خط شده و گوش به فرمان اقبال آرزوهای تاریک و سباهشان را علیه جامعه به سیاست رژیم چینج و تغییر حکومت از بالا آن هم بواسطه حمله و اشغال نظامی و فروپاشی بنیادها و شیرازه جامعه گره زده اند. این جریانات خطر ناکند. این جریانات ارتجاعی و مزدور و راست دارای پتانسیل عظیمی برای نابودی و ویرانی همه بنیادهای جامعه هستند. هشیاری و حساسیت و آمادگی صفوف ما کارگران و کمونیستها در برابر این صف ارتجاع و راست و بورژوازی و ناسیونالیستی بسیار ضروری و مبرم و حیاتی است و از همین حالا باید در اندیشه امکان و تدارک برای مقابله و سرکوب این مزدوران چناینگار بود فردا شاید دیر باشد! توهم به رژیم چینج و تغییر حکومت از بالا به امید رهایی و خوشبختی، به امید آزادی و برابری برای ما کارگران و زحمتکشان، برای ما کمونیستها پوچ و بی اساس است. در دنیایی که کرور کرور موشک و بمب بر سر انسانهای بی دفاع می ریزند، در

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!



دنیایی که جنگهای مذهبی و قومی و فرقه ای و ناسیونالیستی انسانها را لت و پار می کند، در دنیایی که همه بنیادها و اساس جامعه به هم ریخته است، در دنیایی که انسانها با پمپ و موشک و گلوله، با بیماری و گرسنگی و فقر و فرار و آوارگی به نابودی و انهدام می روند این دنیای ما کمونیستها و مبارزان راه راه سوسیالیسم و آزادی و برابری و خوشبختی انسانها نیست.

### سوسیالیسم امروز: در

کنار مسائلی که در بالا به آن اشاره شد ما شاهد بالا گرفتن اعتراض و اعتصابات کارگری و مردمی از جمله اعتصاب کارگران مخابرات، تجمع و اعتصاب بخش زیاد و نسبتا سراسری کارگران، معلمان و کارمندان بازنشسته، کارگران فشار قوی برق، کارگران پتروشیمی، اخیرا هم اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و تظاهرات مردم برای باز پس گیری سپرده هایشان از بانکها و موارد دیگر هستیم. به نظر شما آیا رابطه ای هست مابین این اعتصابات و اعتراضات با بحران و اختلاف جناحهای حکومت و یا سیاست رژیم چینج از بالا؟

### کامران پایدار: شرایط حاکم

بر جامعه ما یک بحران عظیم و رکود بسیار گسترده اقتصادی است. تأثیرات تحریمهای چندین ساله، دزدی و فساد اقتصادی بسیار گسترده سران و کاربدستان و باندهای حکومت اوباش اسلامی و همچنین بی کفایتی و عدم مدیریت در همه شئون زندگی، همه عرصه های اجتماعی و اقتصادی را به فلج و بن بست کامل رسانیده است. دزدی و اختلاس و ارتشاء و غارت منابع عظیم بانکها امر هرروزه سران ریز و درشت حکومت اسلامی است. انواع موسسات و بنگاههای مالی متعلق به سران و باندهای حکومتی است که با وعده های دروغ پرداخت سود بیشتر با عوامفریبی مبالغ ناچیز پولهای دست و پای کارگران و زحمتکشان را که برای نان شب و اجاره خانه و... نیازمند و محتاجند را بالا کشیده و به امدی هم جوابگو نیستند. و فقر و بیکاری، گرانی و تورم، اعتیاد و تن فروشی، خودکشی و جنایت و حاشیه نشینی بیداد می کند. دستمزدهای معوق و پرداخت نشده چندین برابر زیر خط فقر کارگران که از یک ماه تا چندین ماه

و گاه تا یکی دو سال هم پرداخت نشده است دزدی و جنایت هر روزه حکومت اسلامی سرمایه داران است. اعتراضات، تجمعات و اعتصابات روز افزون کارگری تنها نوک کوه یخ عظیمی از نارضایتی و تنفرو خشم و انزجار عمومی علیه حکومت اسلامی است. مبارزات کارگری هر روز دامنه و عمق و وسعت و شدت بیشتری می یابد. شورش گرسنگان در راه است. اختلاف و شکاف واز هم گسیختگی و اختلافات ادامه دار و لاینحل هم بخشی از ماهیت حکومت است. به زبانی نه پابینیا حاضر به این زندگی و ادامه وضع موجود هستند و نه بالاییها به مانند گذشته برای سرکوب و حفظ اقتدارشان مانند گذشته هستند. این شرایط بی گمان آستان حوادث و تلاطمات و اتفاقات بسیار زیادی هست. مسئله تهاجم نظامی و رژیم چینج از این نوع فعلا بسیار بعید بنظر می رسد. اما این که در تلاطمات آتی در غیاب یک حزب جدی و با قدرت و معتبر کمونیستی که حزب رهبر و سازمانده انقلاب آتی باشد خطر واقعی و بسیار جدی است. در غیاب یک حزب کمونیستی رزمنده و سازمانده هر اتفاق ناگواری برای سرنوشت مبارزات کارگران و زحمتکشان محتمل است. اگر تهاجم مستقیم نظامی نکنند خطر سناریو سیاه جدی است. اگر سناریو سیاه نسازند و... خطر هیچ شدن همه مبارزات جاری هست شاید اینبار یا کراوات و کت شلوار و چیزی به مراتب بدتر از سرگذشت تلخ انقلاب 57... در اینجا یکبار دیگر درخواست من، فراخوان من به همه کارگران و زحمتکشان، به همه کمونیستها و مبارزان راستین راه آزادی و برابری و خوشبختی انسان این است به پروسه تشکیل حزب جدید کمونیستی و کارگری خودتان، به ما ببینید.

### سوسیالیسم امروز:

وظایف فعالان کارگری، کمونیستها و فعالان جنبشهای اجتماعی در این شرایط چیست؟

### کامران پایدار: یکی از

بدترین کارها این است که عده ای روشنفکر در گوشه و کنار، در حاشیه بنشینند و بشوند معلم اخلاق برای کارگران. الان بحث من عمدتا بر روی مسایل و مقدرات جنبش کارگری است. نمی توان از همینجا

که نشسته ایم به دور از بسیاری از واقعیتها برای چگونگی امر پیشبرد مبارزات جاری کارگری نسخه نویسی کنیم. قبل از هر چیز و در وهله اول این خود فعالین واقعی کارگری یعنی همانهایی که واقعا در کارخانه ها، صنایع و مراکز تولیدی و... وجود و حضور دارند. این در درجه نخست امر خود این رفقا و فعالین است. که با توجه به همان شرایطها و فاکتورهای واقعی موجود در محل کار و زیست خود و با بهره جستن از تجاربی که دارند مبارزات روزمره خودشان را سازماندهی و رهبری و هدایت نمایند تا در مسیر درست و واقعی خود این مبارزات جاری و هر روزه به نتیجه و سر انجام برسد. اما در اینجا چند نکته اصلی و در عین حال کلی و عمومی هست که تاکید من بر آنهاست. همانطور که همه میدانیم به دلیل فقر و بیحقوقی مطلق که از طرف حکومت اسلامی و سرمایه دارن به زندگی و معیشت کارگران و خانواده هایشان تحمیل شده مبارزه و تجمع و اعتصابات کارگری در همه مراکز کارگری به امری پردامنه و با گسترش و روز افزون تبدیل شده است. در همین چند روز گذشته ما شاهد اعتصاب و مبارزات بسیار پرشور بیش از 5000 نفر از کارگران نیشکر هفت تپه بودیم. نتیجه مبارزات این بخش چه بوده است؟ بخشی از دستمزدهای معوق پرداخت شد، دستمزد تعدادی از رهبران کارگری همین اعتصابات و مبارزات از جانب کارفرما پرداخت نشده و گروهانگیری شده است، در همان روزهای اول اعتصاب و... 15 نفر از کارگران دستگیر شدند با ادامه مبارزات حکومت به ناچار از آزادی کارگران شد اما با قرار وثیقه، در روزهای اخیر اخباری هست مبنی بر اینکه دسته دسته از فعالین و رهبران نیشکر هفت تپه به نیروی انتظامی و اطلاعات و حراست فراخوان شده و محاکم حکومت برایشان پاپوش دزدی و پرونده سازی می کنند و... مبارزات کارگران هفت تپه در یک توازن قوای نابرابر در برابر حکومت و سرمایه داران به موفقیتهایی و پیشرویهایی رسیده اما نه تام و کمال، این کافی نیست. در عین حال حکومت به دنبال سرکوب و ارعاب و امحای تدریجی این مبارزات است و... که البته دریشان را وارونه خوانده اند! در همین چند روز اخیر بیش از

4000 نفر کارگران صنایع ملی فولاد خوزستان برای حق بیمه هایشان، برای سنوات و... برای نقد شدن دستمزدهای معوق 5 ماهه خود اینها هم اعتصاب و تجمع نموده اند و... من می خواهم این را بگویم مبارزات کارگری در همه جا و همه روزه در غلیان است اما سازماندهی و تشکل یابیش ضعیف است. اگر مجامع عمومی کارگران نیشکر هفت تپه همچنان تا همین الان منظم و منظم بر گزار می شد و هدایت و رهبری خودشان را منظم و پی گیر تر و با سمجاعت بیشتری ادامه میداند چه می شد؟ در همین خوزستان در همزمانی به مبارزات کارگران نیشکر اعتصاب و مبارزان چند هفته ای کارگران صنایع فولاد سر بر آورد. اگر همین کارگران فولاد، اگر اینها هم مبارزات خودشان را متکی می کردند بر بر یابی منظم و ادامه دار مجامع عمومیشان چه می شد؟ قطعاً نتایج بهتری حاصل می شد. می خواهم بیرسم اگر همین کارگران نیشکر و صنایع فولاد مبارزاتشان با حمایت و همبستگی با یکدیگر ادامه دار می شد و همین ضرب میشد با تجمعات و اعتصابات کارگران شهرداری خوزستان نتیجه چه می شد؟ ببینید، رمز موفقیت و پیشروی مبارزات جاری و پراکنده و نا منظم ما کارگران در سازمانیابی، در تشکل، در همبستگی و در اتحاد رشته ای و سرتاسری ماست. برگزاری منظم و همیشه زمانی مجامع عمومی یعنی قلب زنده و پرتیش جنبش کارگری و... اتحاد و همبستگی های رشته ای و سراسری کارگری یعنی گسترش جبهه، یعنی مقدمات و ملزومات و تضمین موفقیت و پیشروی های روز افزون ما کارگران در مقابل سرمایه دارن، در برابر حکومت نوکرشان و... همین الان بنا به اخباری کلیه بازنشستگان کشوری اطلاعیه داده اند برای تجمع درسی و یک مرداد در مقابل مجلس مفتخوران اسلامی و... همین الان چندین هزار از کارگران صنایع فولاد اصفهان دریایی از دستمزدها و مطالبات معوق دارند که برایش بارهای بار تجمع و اعتراض کرده اند، همین الان در سرتاسر ایران معلمان بازنشسته زیادی با فقر و گرسنگی و محرومیت هر روزه گرفتارند. می خواهم بیرسم اگر در

**زنان و جوانان انقلابی در تشکیل حزب خود مشارکت کنید!**



این سی و یکم مرداد اگر درهرشهر و منطقه معلمین شاغل و بازنشسته به اتفاق و به همراه خانواده هایشان در مقابل ادارات آموزش و پرورش در برابر استناداری و فرمانداری تجمع و اعتراض کنند چه می شود؟ می خواهم بپرسم اگر در همین سی و یکم مرداد چندین هزار کارگر بازنشسته صنایع فولاد اصفهان به همراه خانواده هایشان به میدان بیابیند چه می شود؟ اینها تنها اشاره به نیروی بیکران و دگرگونی ساز و قدرتمند و توفنده مبارزات کارگری در حاشیه ها و جوانبی است . امروزه در قاموس حکومت جهل و جنایت و فساد اسلامی دیگر افشار و لایه های اجتماعی از زنان و جوانان و... همه عاصی و همه خواهان خلاصی فرهنگی و برچیدن بساط این حکومتند اما چگونه و از کجا؟ تا بطور واقعی ، تا بطور ملموس و زنده سازمان نیابیم ، متشکل نشویم هیچ کاره ایم . باید به سمت تشکیل کمیته های محلات رفت . باید به قدرت کمیته های محلاتمان حکومت اوباش داعشی را از محل زیست و زندگیمان بیرون و طرد نماییم ... باید به سمت برپایی تشکلهای و نهادهای حمایت و دفاع از حقوق زنان و کودکان رفت . باید دستهایمان یکی شود ، باید متحد شویم ، باید متشکل و سازمان یافته هر روز مصمم تر، پرشور تر و گسترده تر برای آزادی و برابری برای رفاه و خوشبختی و برای نابودی و سرنگونی حکومت اسلامی سرمایه داران به پا خیزیم .

### میز گرد

سوسیالیسم  
امروز حول  
اوضاع  
سیاسی ایران



عزیز آجیکند

سوسیالیسم امروز: بر همه عیان است که جمهوری اسلامی بعنوان حکومتی مرتجع و مذهبی از یک طرف و از طرف دیگر بعنوان دولت طبقه سرمایه دار با بحران متولد شده و این بحران را تقریباً در چهار ده حکومت کردن با خود حمل کرده است. به همین دلیل اختلافات درون حکومتی و جناحی

تقریباً یکی از پایه های ثابت رژیم بوده است. این اواخر و بعد از انتصاب مجدد روحانی این اختلافات اوج بیشتری گرفته است. اختلافات رژیم به جایی رسیده که احمدی نژاد و دار و دسته اش میگویم میگویم هاش شروع شده است. قبلاً با چنین مواردی از طرف سازمان اطلاعات و سپاه بعنوان نمایندگان خامنه ایی به شدت برخورد میشد. اکنون به نظر میرسد که رژیم در همچین مواردی باانعطاف بیشتر با اختلافات درونیش برخورد میکند و خامنه ایی هم ظاهراً سکوت کرده و یا کار چندانی از دستش ساخته نیست. لطفاً توضیح دهید که دلیل آن چیست؟

**عزیز آجیکند:** امروز بحران اقتصادی عمیقی سراپای جمهوری اسلامی را فرا گرفته است . تمام جناحهای ریز و درشت رژیم این را به خوبی درک کرده و برای برون رفت از این بحران و حفظ و استحکام جمهوری اسلامی تلاش میکنند و باهم در این راستا توافق دارند .

اصلاح طلبان حکومتی از مقطع "انتخابات" دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری رسماً و عملاً هژمونی اصولگرایان میانه رو به رهبری روحانی را پذیرفته بودند، با سخنرانی و کمپین های تبلیغاتی سعی میکردند رویکرد سازش با قدرت های غربی را مهمترین دستاورد ائتلاف اصلاح طلبان حکومتی و روحانی جلوه دهند و از این طریق راه را برای بازگشت دوباره به دایره نیروهای خودی رژیم هموار کنند. اصلاح طلبان حکومتی که حتی تکرار شعارهای گذشته خود را نیز برای نظام اسلامی هزینه بردار می دانستند در این دوره تلاش

کردند که مردم را به صبر و انتظار دعوت کرده و آنها را از طرح و پیگیری خواسته هایشان برحذر دارند و سکوت را در برابر منفعت نظام برای دوره ای پیشه کنند.

کشمکش میان این جناحها در هر دوره ای که موقعیت نظامشان در خطر بیافتد موقتا فروکش پیدا میکند. نگران از خطر فروپاشی اقتصاد ایران و هراسان از خطر طغیان خشم مردم، عملاً آنها را متحد و یکپارچه میکند و سیاست سکوت در قبال همدیگر را اختیار و اختلافات را کنار میگذارند.

در عرصه خارجی و به زانو در آمدن رژیم جمهوری اسلامی در بحران هسته ای، آینده این نظام را با مشکلات جدی روبه رو کرده است . آمریکا می خواهد که رژیم جمهوری اسلامی در تجدید نظم امپریالیستی در خاورمیانه به سهم بسیار کمتری تمکین کند و سیاست های عملی خود را با استراتژی آمریکا در این منطقه انطباق دهد. رژیم جمهوری اسلامی که اکنون یک پای جنگ داخلی در عراق و بحران در سوریه و بی ثباتی در لبنان است باید به "ثبات" مورد نظر آمریکا در این کشورها یاری رساند و نیروی سپاه پاسداران را از سوریه و منطقه بیرون بکشد و در قدم های بعدی از حمایت های مالی و تسلیحاتی حزب الله در لبنان و گروههای ارتجاع اسلامی در خاورمیانه دست بردارد. بنابراین تنها توافق در زمینه حل بحران اتمی

پایان کار برای جمهوری اسلامی و دولت مردانش نیست. فشارهای کنترل شده بر جمهوری اسلامی کماکان ادامه دارد .

در عرصه داخلی هم روند رو به رشد اعتصابات و اعتراضات کارگری در چند ماه اخیر یکی دیگر از فاکتورهای جدید فشار بر نظام جمهوری اسلامی در این دوره است. کارگران نشان داده اند که نه به وعده های سرخرمن روحانی دلخوش کرده و نه به توصیه های اصلاح طلبان حکومتی و اصولگرایان . این مبارزات جدای از نقش حساس و تعیین کننده ای که در حفظ و تقویت فضای مبارزاتی و باز کردن فضای سیاسی جامعه و به عقب راندن سیاست ارباب در دل اوضاع کنونی دارد و بحران رژیم را با مشکلات و بحران داخلی روبه رو کرده است.

امروز از سوی هر دو جناح هشدار داده میشود که اختلافات را کنار بگذارند و همدیگر را نصیحت میکنند که سیاست وحدت را در پیش گیرند و دوره رقابت را پشت سر گذارند .

سوسیالیسم امروز: احزاب و جریاناتی از چپ و راست مجدداً بروی این اختلافات درون حکومتی حساب باز کرده اند و فکر میکنند و بعضاً برای آن تلاش میکنند که به کمک آن رژیم را عقب برانند و یا حتی سرنگون کنند. به نظر شما این تحلیل و ارزیابی درست است؟ و یا اساساً میشود از اختلافات درونی رژیم به نفع سرنگونی انقلابی جمهوری اسلام بهره گرفت؟

**عزیز آجیکند:** احزاب و بطور کلی جریانات چپ سنتی محصول منطقی و تاریخی یک شیوه استبداد حکومتی است، جمهوری اسلامی نیز با اعمال سی و هشت سال خفقان و دیکتاتوری، اپوزیسیونی با نیروهای سیاسی و مدنی در ابعاد گسترده پدید آورده است. گر چه امروز این اپوزیسیون در وضعیت آشفته‌گی سیاسی با معضل پراکندگی و اضمحلال روبرو شده است. بدون شک علت پراکندگی نه در تنوع عقاید سیاسی که بدلائل غیر منطقی اختلافات گروهی و گاه تشکیلاتی بصورت سنتی است که نشأت گرفته از نوستالژی و آنتاگونیسم سیاسی چهار دهه پیشین خود است. عدم تکوین این شیوه فرهنگ اپوزیسیون منجر به عدم انطباق آنها با شرایط سیاسی کنونی، مطالبات اجتماعی و جنبش سیاسی موجود در منطقه شده است.

با توجه به فرهنگ سیاسی متزلزل و در حاشیه قرار گرفتن احزاب سیاسی گفتمان سرنگونی جمهوری اسلامی از طرف این جریان اعم از چپ و راست به حاشیه رانده شده است. دوری از جنبش مردم و جامعه و پراکندگی و نامنسجم بودنش تأثیرات ویرانگر خود را بر جنبش سرنگونی گذاشته است و باعث شده که جمهوری اسلامی تا به امروز در قدرت باقی بماند. به همین دلیل این اپوزیسیون به تنهایی و در چنین شرایطی نمی‌تواند تبدیل

مناسبی برای عقب راندن جمهوری اسلامی باشد. اکنون که زمینه‌های اصلاح رژیم از درون با گسترش اعتراضات مردمی از میان رفته و نقش اپوزیسیون به خصوص اپوزیسیون مارکسیست و انقلابی برجسته شده است، دلیلی برای خوشبین شدن به تشدید اختلافات رژیم وجود ندارد و نمی‌تواند کار را یکسره کند. جناحهای جمهوری اسلامی در هر شرایطی برای حفظ نظام خود متحد و فشار را بر مخالفان خود بیشتر و ماشین سرکوب و اعدام را به کار می‌اندازند. احزاب و گروه‌های سیاسی جدا از اینکه باید از نقاط ضعف رژیم نهایت استفاده را برای سرنوشتی بکنند باید بر نقاط ضعف خود نیز غلبه نمایند و با باز تعریفی از خود و با تجدید نظر در فرهنگ سیاسی منطبق با اصول دمکراسی، خود را با جنبشهای واقعی جامعه پیوند دهند و به پراکندگی خود پایان دهد.

تجربه نشان میدهد که چشم دوختن به اختلافات رژیم و سیاست دست روی دست گذاشتن و در انتظار ماندن، مبارزه انقلابی را به سکوت مرگبار میکشاند. اعتراضی و مطالبات مردم جامعه ایران به سوی تغییر فقط از پایین و با اتکا به طبقه کارگر و مردم زحمتکش امکان پذیر است. پس باید قدم به قدم با خواستهای برحق مردم پیش رفت تا کل نظام جمهوری اسلامی را سرنگون کرد.

سوسیالیسم امروز: از طرف

دیگر با روی کار آمدن ترامپ بعنوان رئیس جمهوری امریکا و مخالفت‌های بیشتر ترامپ با رژیم ایران در پیمایش بار دیگر رژیم چینج و سرنگونی رژیم با اتکا به دولت امریکا و قدرتهای غربی را در دستور بخشی از اپوزیسیون راست از جمله مجاهدین و سلطنت طلبان و احزاب کرد قرار داده است و همچنانکه در گذشته هم شاهد آن بوده ایم این مسئله بروی سیاست‌های احزاب چپ هم تاثیر داشته است. از نظر شما آیا امریکا تصمیم به تغییر رژیم را دارد؟ آیا کارگر و مردم زحمتکش با امید بستن به آن از این مسئله نفعی میبرند؟

**عزیز آجیکند:** اپوزیسیون مخالف جمهوری اسلامی و جریانات ناسیونالیست و احزاب کورد که جایگاه سیاسی قابل توجهی در میان مردم ایران ندارند و در حاشیه قرار گرفته اند و امیدشان را در یک مبارزه واقعی برای پایان دادن به عمر جمهوری اسلامی بکلی از دست داده اند، سالهاست موفقیتشان را در گرو سیاست‌های دولتمردان آمریکا می‌بینند و به دستبوسی سناتورهای افتاده اند. سیاست‌های آمریکا را تبلیغ میکنند و شخصیت‌های کاملاً پرو آمریکایی از خود ساخته اند.

به تهدیدها و فشارهای وارده از طرف آمریکا به ایران امید بسته اند. با روی کار آمدن دونالد ترامپ دوباره دیپلماسی خود را با کاخ سفید از سر گرفتند و مرزها را در نوردیدند و با ترامپ و همکارانش در وزارت خارجه و مهرهای نظامی آن ارتباط برقرار کردند و انتظار داشتند و دارند که آمریکا آنها را در سرنگون کردن رژیم ایران همراهی و حمایت و پشتیبانی معنوی و

مالی کند.

رهبران احزاب کورد در حالی که اعتراض جهانی علیه سیاست‌های جنگ طلبی دونالد ترامپ در سراسر جهان در جریان بود، خود را به کاخ سفید رساندند و از دولتمردان و همکاران دونالد ترامپ یاری جستند.

انتخاب دونالد ترامپ و فشارهای کاخ سفید و تهدیدهای علیه برجام و دولتمردان ایران امید را در دل سران دیگر احزاب اپوزیسیونی از قبیل مجاهدین و سلطنت طلبها و جریانهای ناسیونالیست کورد زنده کرد. امید بستن به مداخله گری آمریکا و یا دل خوش کردن به جناحی از رژیم و کوبیدن بر طبل مذاکره به بخشی از هویت این جریان ها تبدیل شده است.

دونالد ترامپ در همین مدت کوتاه از به قدرت رسیدنش نشان داده که نمی‌تواند یک سیاستمدار باشد و همانند یک سیاستمدار حرفه‌ای در میدان سیاسی حضور پیدا کند. رفتار او تفاوت یک سیاستمدار مدار با یک تاجر را به خوبی آشکار میکند. از این منظر نباید تهدیدات وی را جدی گرفت و اشتباه محض است که به او و قدرتش تکیه داد.

معمولاً سیاستمداران درباره سخنان، تصمیمات و اقدامات خود سنجیده و فکر شده عمل می‌کنند و همیشه راه بازگشتی برای خود باقی می‌گذارند. از سوی دیگر

ترامپ وعده بازسازی آمریکا را داده و اغلب شعارها و وعده های وی معطوف به داخل آمریکا است. به راه انداختن یک جنگ نظامی فرسخ ها دورتر از خاک آمریکا تناسبی با این وعده ترامپ ندارد.

بنابراین در مجموع باید گفت ترامپ برجام را اجرا خواهد کرد و قصد حمله نظامی به ایران را نیز ندارد. در نتیجه هیچ بهانه ای برای حمله نظامی به ایران وجود ندارد. تنها نکته نگران کننده احتمال بروز حوادث پیش بینی نشده است. به طور مثال در خلیج فارس نیروهای دو کشور به صورت اتفاقی یا در اثر سوءتفاهم با یکدیگر برخورد کنند که در آن صورت ممکن است ترامپ بخواهد تصمیم سختی اتخاذ کند که قبل از آن باید اذهان عمومی را برای تصمیم خود آماده کند که این شاید در توان ترامپ نباشد.

**سوسیالیسم امروز: در کنار مسائلی که در بالا به آن اشاره شد ما شاهد بالا گرفتن اعتراض و اعتصابات کارگری و مردمی از جمله اعتصاب کارگران مخابرات، تجمع و اعتصاب بخش زیاد و نسبتا سراسری کارگران، معلمان و کارمندان بازنشسته، کارگران فشار قوی برق، کارگران پتروشیمی، اخیرا هم اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و تظاهرات مردم برای باز پس گیری سپرده هایشان از بانکها و موارد دیگر هستیم. به نظر شما آیا رابطه ای هست مابین این اعتصابات و اعتراضات با بحران و اختلاف جناحهای حکومت و یا سیاست رژیم چینج از بالا؟**

**عزیز** **آجیکند:** حکومت جمهوری اسلامی همیشه

پشتیبان و حامی سرمایه داران بوده و بر ضد کارگران عمل کرده است. توسل به خشونت و سرکوب عریان، وسیله اصلی دولت و بطور کلی رژیم اسلامی برای رسیدن به این اهداف ضد کارگری بوده است. فراگیرتر و پر دامنه تر شدن مبارزه و اعتراضات کارگران و دیگر قشرهای جامعه اگر چه اساسا جنبه دفاعی داشته و در واقع واکنش آنها در مقابل یورش گسترده و بی رحمانه طبقه حاکم و رژیم اسلامی به سطح معیشت آنان، تشدید استثمار، تحمیل شرایط بدتر کار و بی حقوقی بیشتر بوده است، اما نکته اصلی و مهم در همین واکنش نهفته است. نکته این است که در این یورش که بر متن سرمایه داری بحران زده و فلج شده ایران تداوم داشته است، مردم به هیچ رو قربانیانی خاموش نبوده اند. جدال و نبرد طبقاتی سهمگین و سختی در جریان بوده است، جدال و نبردی که همچنان ادامه دارد و کلیت نظام با همه جناحهای ریزو درشتش را در بر میگیرد.

اعتصاب ها و تجمع ها فعالان مدنی و مبارزات کارگران در حقیقت تبلور این نبرد طبقاتی است. مردم و کارگران و زحمتکشان از کلیت نظام جمهوری اسلامی متنفر هستند. وجود این رژیم با همه جناحهایش را مانع اصلی در برابر خواستهای خود می بینند.

امروز آثار و عواقب زیانبار تشدید بحران اقتصادی و تداوم تحریم های بین المللی و اختلافات درونی میان جناح های رژیم، فشار بر طبقه کارگر ایران را به شدت افزایش داده است. همچنانکه می بینیم توقف تولید و تعطیلی کارخانه ها به نحو بیسابقه ای بسیاری از کارگران شاغل در کارخانه ها و صنایع را به خیابان ها ریخته و از کار بیکار کرده است. خامنه ای، دولت مداران، نمایندگان مجلس اسلامی و مقامات سپاه پاسداران بارها از خطر خیزش کارگران و جامعه ایران صحبت به میان آورده اند. بر متن این ترس و نگرانی مقامات دولت جدید با دادن وعده بهبود وضع اقتصادی، کاهش اجاره بها و قیمت ها و حتی افزایش حداقل دستمزد کوشیده اند تا کارگران را در حالت انتظار نگاه دارند.

واقعیت این است که این سطح از گرانی و این سطح از فقر و گرسنگی، دیگر برای کارگران و توده میلیونی مردم قابل تحمل نیست و کارگران و مردم ایران هیچ سر آستی با این رژیم ندارند و دیر یا زود کاسه صبر آنان لبریز خواهد شد و برای نجات خود و فرزندانشان از گرسنگی، مبارزات خود را گسترش خواهند داد. کارگران و توده های مردم زحمتکش در جریان اعتراض و مبارزات تاکنونی آنقدر تجارب با ارزش به دست آورده اند تا با تشخیص درست توازن قوای موجود، با کمترین هزینه ها و در اشکال متنوعی از مبارزه، جمهوری اسلامی را به چالش بکشند و علیه فقر و گرسنگی پا به مرحله دیگری از مبارزه بگذارند.

**سوسیالیسم امروز:**  
وظایف فعالان کارگری، کمونیستها و فعالان جنبشهای اجتماعی در این شرایط چیست؟

**عزیز آجیکند:**

در شرایط کنونی باید در دو جهت اصلی گام برداشت

اول تثبیت مطالبات و شعارهای واحد مبارزاتی در میان مردم و دوم مرتبط کردن فعالین و پیشروان کارگری بخش های مختلف جنبش کارگری و دیگر فعالان جنبشهای اجتماعی به یکدیگر. وحدت در میان قشرهای مختلف جامعه و مطالبات و شعارها ی مشترک گام مقدم هر نوع وحدت در مبارزه است. همین ساده ترین شکل وحدت از طریق مطالبات و شعارهای واحد به فعالین جنبشهای اجتماعی و پیشروان کارگری امکان می دهد تا روحیه همبستگی و آگاهی طبقاتی، تشکل پذیری و اعتماد بنفس و ایمان به قدرت خود را در جامعه بالا ببرد.

فعالین جنبشهای اجتماعی و پیشروان کارگری به هر درجه که می توانند باید وحدت و هماهنگی در مطالبات و در عمل مبارزاتی کارگران و مردم زحمتکش جامعه بوجود آورند، در چنین شرایطی جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی یک گام به اعتلا مبارزاتشان و به سازمانیابی

صفوف خود نزدیکتر می شوند و آمادگی رهبری اعتراضات توده ای را پیدا می کنند و در دست میگیرند.

طبقه کارگر و تمام نیروهای موافق سرنگونی جامعه سرمایه داری تا زمانی که به ایدئولوژی انقلابی و به تفکر سیاسی انقلابی مجهز نشوند هیچ گامی در راه ریشه کن کردن سرمایه داری نمی تواند بردارند.

امروز، مهمترین و عاجلترین وظیفه پیشروان طبقه کارگر و دیگر جنبشهای مردمی، دامن زدن به یک مبارزه سیاسی همه گیر در قبال اوضاعی است که جمهوری اسلامی بر سر مردم آورده است. این وظیفه است که رابطه این جنبشها را با همدیگر تعیین می کند. در این رابطه علاوه بر سازماندهی مبارزات صنفی و اقتصادی کارگران و قشرهای مردم زحمتکش لازم است فعالین کارگری و جنبشهای اجتماعی در بطن مبارزات جامعه ایران متحدانه عمل کنند و در این شکی نیست که این اقدام آنها کمک میکند که صحنه سیاسی جامعه را کاملا دگرگون کنند و آنها را قادر به ایفای نقش تاریخساز در فرای آزادی خواهد کرد.

طی چند ماه اخیر پیوستن دهها انسان مبارز و سوسیالیست به پروسه تشکیل حزب سیاسی جدید در ایران را به اطلاع عموم رساندیم. در ادامه استقبال گسترده ای که از پروسه تشکیل یک حزب رزمنده و سوسیالیستی در ایران و منطقه میشود انسانهای مبارز زیادی در صدد پیوستن به این حزب هستند. اکنون مایه افتخار ما است که پیوستن ۲۴ فعال مبارز سوسیالیست و آزادیخواه دیگر را به این تلاش انقلابی و ایجاد حزب سیاسی جدید اعلام کنیم.

این رفقا عبارتند از: ۱- حمید محمدی ۲- شاهین حدیدی ۳- ساروملکشاهی ۴- سیوان رحیمی ۵- شیرکو قهرمانی ۶- اشکان فتاحی ۷- هاشم محمودی ۸- بهمن مرادی ۹- عارف احمدی ۱۰- محمد احمدی ۱۱- سومارستمی ۱۲- آرزو ویسی ۱۳- شادمان محمدی ۱۴- آرام محمدی ۱۵- امیر حسین ابراهیمی ۱۶- شهریار محمدی ۱۷- بارزان شعبانی ۱۸- تینا لطفی ۱۹- هنر سلیم پیرکی ۲۰- میلاد محمدی ۲۱- اختر قحقی ۲۲- ریژوان رضائی ۲۳- سجاد ارومیه ۲۴- حیدرارومیه ۲۵- ... به تک تک این مبارزین و انسانهای شریف خوش آمد گفته و خوشحال هستیم که چون تن واحد و برابر برای ایجاد یک حزب سوسیالیستی و انقلابی هم‌رزم و هم‌سنگر هم خواهیم بود.

همه مبارزین راه آزادی، برابری و سوسیالیسم و همه کسانی که خواهان سرنگونی کلیت رژیم جنایتکار اسلامی هستند به پیوستن به این تلاش و حزب انقلابی جدید فرا میخوانیم.

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**  
**زنده باد سوسیالیسم!**

**هیئت برگزار کننده**  
**کنفرانس موسس حزب**

۱۵ مرداد ۱۳۹۶ - ۶ اوت ۲۰۱۷

[www.simroz.org](http://www.simroz.org)

ادرس مایل و تلفنهای

تماس:

[iransocialist2017@gmail.com](mailto:iransocialist2017@gmail.com)

mail.com

0046762349683

00447740076631

004792831376

009647510034303

**حزب خائن توده،**  
**انصاف کاظم نیکخواه،**  
**صورت مسئله عوضی!**

کامران پایدار

آخوندهایی چون کاشانی و بهبهانی و دیگران همه با هم در تبنای و زدو بند و معامله و توطئه و... برای نابودی و سرنگونی مصدق در تلاش و تقلا بوده اند محفوظ، اینکه حزب خائن توده در آن زمان با توجه به تشکیلات نظامی و سازمان افسران در ارتش دارای نفوذ و اطلاعاتی بوده و مدام به جناب آقای مصدق الدوله قهرمان ملی و انبار دار نفت هشدار و بیدار باش داده محفوظ، اینکه به دلیل نا پیگیری وسستی و کوتاهی و عدم توجه جناب مصدق به آلام های حزب توده شاه و امریکا و کودتا گران سرانجام موفق و پیروز می شوند و... محفوظ، اما نکته اصلی، از آنجایی که حزب توده، جبهه ملی، مصدق و کل جریانات و گرایشات مذهبی ناسیونالیستی آن دوران همگی در یک صف واحد قرار داشته اند و همگی از یک آخور ارتزاق میکورده اند و به یک صف طبقاتی بورژوازی آن دوران تعلق داشته اند آیا شک و تردیدی هست؟! اگر مصدق و جبهه ملی چی ها و حزب توده بر فرض اینکه کودتایی نمی شد و پیروز و ماندگار صحنه سیاست آن دوران می بودند آیا وجود و ماهیت اینها، آیا نتیجه حکومت و قدرت اینها برای توده های مردم، برای کارگران و زحمتکشان ارمغانی از جنس آزادی و برابری و رفاه و خوشبختی میداشت؟! قدر مسلم همه این جریانات ملی و مذهبی و شرق زده ارتجاعی هر یک

**اطلاعیه در باره،**  
**پیوستن ۲۴ رفیق**  
**دیگر به پروسه**  
**تشکیل حزب**

**مرگ بر سرمایه داری!**



بخشا گرایشات و رگه های خاصی از سیستم و مناسبات طبقه بورژوازی هستند .

همه این جریانات ملون بورژوا ناسیونالیستی چه ربط و منفعتی به حال جنبش چپ و کمونیستی و چه ربط و منفعتی به حال مبارزات کارگران و زحمتکشان دارند . آیا بین حزب خائن توده و مصدق و جبهه ملی و شاه و نهضت آزادی و دیگران تفاوتی ماهوی موجود هست ؟

حزب خائن توده همان جریان بورژوا ناسیونالیستی است که از مصدق و خمینی حمایت کرده برایشان جاسوسی و آدم فروشی کرده و برای به پیروزی رسانیدن این جانوران ضد جامعه و مرتجع هیچگاه فرو گذاری نکرده است .

حزب خائن توده همان جریان ارتجاعی است که در ادامه همان سیاستهای همیشگی حتی همین امروز از سران و احزاب فاسد و دزد و منفور حکومتهای بورژوازی امثال دیلما روسف در برزیل و جمهوری بولیواری !!

امثال نیکولاس مادرو دزد و قاتل در ونزوئلا حمایت و پشتیبانی می کند . در این میان آنچه بیشتر جالب توجه است طرح یک صورت مسئله عوضی و ارایه یک پاسخ الکن و اخلاقی از جانب کاظم نیکخواه است . این چیزی نیست جز سرگیجه سیاسی و توهمات رهبران حزب کمونیست کارگری .

**اعلام شماره حساب بانکی و رسید کمکهای مالی دریافت شده!**

به منظور کمک مالی به پیشبرد چند پروژه فوری و ضروری مربوط به تاسیس حزب، کمک های مالی زیر از طریق رفیق سلام زیجی جمع آوری و به ان پروژه اختصاص داده شد: ابراهیم باتمانی ۱۰۰۰ کرون شیرین - ۱۵۰ هزار دینار ک-پ ۵۰۰ هزار تومان ی گ- ۵۰۰ دلار

سلام زیجی ۱۰۰۰ دلار هیئیت برگزار کننده ضمن تشکر عمیق از کمک مالی آن دوستان از همه مبارزین راه آزادی و برابری می خواهد به این مبارزه و این حزب کمک مالی نمایند. نبود امکانات مالی یکی از مهمترین موانع سر راه کنونی ما است. هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیمان به پیشرفت ما در جهت ایجاد یک حزب بزرگ سیاسی، سالم ، مبارز، سوسیالیستی و علیه جمهوری جنایتکار اسلام کمک فوری خواهد کرد.

**شماره حساب موقت ما:**

لطفا از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید :

**SWEDENBAN  
SEB K  
50550056411**

**هیئت برگزار کننده  
کنفرانس موسس حزب  
[www.simroz.org](http://www.simroz.org)  
درس مایل و تلفنهای  
تماس:**

**iransocialist2017@g  
mail.com  
0046762349683  
00447740076631  
004792831376  
0046700929993**

**اسامی کودکان اعدام شده بین سالهای 60-67**



در لیست دهها هزار نفری اعدام شدگان سیاسی دهه 60، يك اعدامی هست که به تنهایی میزان خشونت جمهوری اسلامی است، او کوچکترین واحد اعدامی است، واحد کشتار است.

او نفیسه اشرف جهانی، کودک دبستانی است، که به جرم محاربه با خدا در دادگاه اسلامی، محکوم به مرگ شد و جلوی جوخه اعدام تیرباران . این اعدام به تنهایی در عقل نمی گنجید، واپس زده می شود.

او در ده سالگی زنی است در لیست حدود 2000 نفری اعدامیان سیاسی زن. که این خود نه قرینه ای در تاریخ ایران دارد و نه در تاریخ جهان مدرن. نه با عرف قابل توضیح است نه با شرع. برادرکشی و پدرکشی با گوشمان آشنا بود، پسر کشتی سابقه اش به اسطوره

می رسید و در تاریخ هی تکرار می شد.

کشتن دختر بچه ها، زنان و مادران را نه شنیده و نه خوانده بودیم، جمهوری اسلامی رسمش کرد با اعدام بیش از 1500 دختر و زن در فاصله سالهای 60 و 64. فقط در این لیست که کامل هم نیست، در کنار نفیسه اشرف جهانی ده ساله، مریم اسدی یازده ساله، افسانه فارابی دوازده ساله، جزو 9 دختر بچه اعدام شده زیر 13 سال اند .

فاطمه جبارزاده انصاری، شهلا قربانی، فاطمه ساجدی، سه دختر بچه سیزده ساله، جزو 22 دختر بچه اعدام شده بین 13 و پانزده سال اند . نسرین نوری مانی 15 ساله، فرزانه صبوری و مریم صدراالاشرف هفده ساله (هر سه حاق آویز شده)، جزو 187 دختر نو جوان اعدامی زیر 18 سال اند.

خطیب شهیدی دختر نوجوان 15 ساله به میدان اعدام نرسید، او زیر شکنجه کشته شد، او جزو 60 زنی است که زیر شکنجه به قتل رسیدند .

جنین هشت ماهه طاهره آقا خان مقدم در شکم مادرش تیر باران شد، طاهره آقاخان مقدم، یکی است در لیست 47 نفری زنان حامله اعدام شده در این لیست.

سکینه محمدی اردحالی 70 ساله، مادر نه فرزند از اعدام شدگان بالای 70 سال است. جوانترین اعدامی در این لیست ده ساله بود. نفیسه جوانترین کودک اعدامیست، جوانترین اعدامی زن و

**نه به فقر و گرانی!**

جوانترین محارب با خداست در لیست دهها هزار نفری اعدام های سیاسی.

اعدام های جمهوری اسلامی در سال 60 تا 64 بی مثال بود، اما نه در تعداد. کشتار بخش وسیعی از رهبران، کادر ها و هواداران سازمان های سیاسی، کشتار کمونیست ها یا که کشتار مخالفان سیاسی یا مخالفان عقیدتی و مذهبی و همه این ها رویهم، حقیقت است، ولی بی مثال نیست.

دادگاه ها و احکام شرعی هم به خودی خود ویژگی نبود. ویژگی در اعدام دختر بچه، در اعدام نفیسه بود که او را با قوانین شرع، در خود روز قیامت هم نمی شد محکوم کرد.

ویژگی در نمایش جسد اعدامی نبود. سال 2006 با نمایش جسد صدام در بالای دار و پائین دار، از نیم رخ و از روبرو به سال 2007 گذر کرد. ویژگی در ممنوعیت بدن اعدامی بود. جسد نفیسه را اگر می خواستید هم نمی توانستید ببینید. او مثل همه زنان سیاسی در سال های 60 تا 64 و 67 بی چهره، پوشیده دراونفورم زندانها نا تش، درچادر سیاه به قتلگاه برده شد، مثل همه زنان دیگر محارب علیه خدا، و همراه هزاران دختر و زن، متهمین به جنایت علیه عفاف.

در آنجا بود که تفکیک زندانی سیاسی از غیر سیاسی، اخلاقی از عقیدتی و مذهبی بی معنی شد. نفیسه جزو انبوهی، لیست شده و لیست نشده، از اعدامی هاست، که زیر چادر سیاه، که رنگ

خون هم به آن نمی نشیند به قتل رسیده اند. او جزو محکومینی است که نمایش اعدامشان در ملا عام، تنها، نمایش به احتزاز در آوردن پرچم جمهوری اسلامی است. نگاه کنید به نمایش چادری بر دار جرثقیل که همواره تکرار می شود. مال دیروز یا برای فردا، در این جا یا در آنجا.

می شد. کشتن دختر بچه ها، زنان و مادران را نه شنیده و نه خوانده بودیم، جمهوری اسلامی رسمش کرد با اعدام بیش از 1500 دختر و زن در فاصله سالهای 60 و 64. فقط در این لیست که کامل هم نیست، در کنار نفیسه اشرف جهانی ده ساله، مریم اسدی یازده ساله، افسانه فارابی دوازده ساله، جزو 9 دختر بچه اعدام شده زیر 13 سال اند.

فاطمه جبارزاده انصاری، شهلا قربانی، فاطمه ساجدی، سه دختر بچه سیزده ساله، جزو 22 دختر بچه اعدام شده بین 13 و پانزده سال اند. نسرین نوری مانی 15 ساله، فرزانه صیوری و مریم صدراشرف هفده ساله (هر سه حاق آویز شده)، جزو 187 دختر نو جوان اعدامی زیر 18 سال اند.

خطیب شهیدی دختر نوجوان 15 ساله به میدان اعدام نرسید، او زیر شکنجه کشته شد، او جزو 60 زنی است که زیر شکنجه به قتل رسیدند. جنین هشت ماهه طاهره آقا خان مقدم در شکم مادرش تیر باران شد، طاهره آقاخان مقدم، یکی است در لیست 47 نفری زنان حامله اعدام شده در این لیست.

سکینه محمدی اردحالی 70 ساله، مادر نه فرزند از اعدام

شدگان بالای 70 سال است. جوانترین اعدامی در این لیست ده ساله بود. نفیسه جوانترین کودک اعدامیست، جوانترین اعدامی زن و جوانترین محارب با خداست در لیست دهها هزار نفری اعدام های سیاسی.

اعدام های جمهوری اسلامی در سال 60 تا 64 بی مثال بود، اما نه در تعداد. کشتار بخش وسیعی از رهبران، کادر ها و هواداران سازمان های سیاسی، کشتار کمونیست ها یا که کشتار مخالفان سیاسی یا مخالفان عقیدتی و مذهبی و همه این ها رویهم، حقیقت است، ولی بی مثال نیست. دادگاه ها و احکام شرعی هم به خودی خود ویژگی نبود. ویژگی در اعدام دختر بچه، در اعدام نفیسه بود که او را با قوانین شرع، در خود روز قیامت هم نمی شد محکوم کرد.

در این سال ها، به ویژه در سال 1359، ده ها تن از خلبانان نیروی هوایی، همافران و افسران و درجه داران ارتش نیز به اتهام تدارک کودتا علیه حکومت اسلامی اعدام شدند. محاکمه ی ناعادلانه ی این افراد که مورد شکنجه های وحشیانه قرار گرفته بودند نیز منطبق با قوانین قضایی و حقوق بین المللی نبود.

در کشتار این سال ها سببانه ترین رفتار با اسیران و قربانیان روا داشته شد:

«...گونی کهنه و کثیف و چرک آلود دیگری را آوردند و این بار معلم و پزشک، نخستین زن مدیر کل، نخستین زن وکیل مجلس شورای ملی، نخستین بانوی معاون وزیر و نخستین زن وزیر و مبارز راستین راه آزادی و تساوی حقوق زنان را

به زور در گونی کردند و برای آن که دست و پایی نزنند، طنابی را بر پاهای او بستند و طناب دیگری را از روی گونی به دور گردن او پیچیدند و او را به درخت اعدام آویزان کردند. طناب دار را که بالا کشیدند، طناب پاره شد و فرخرو پارسای، در فاصله یک متری به زمین افتاد. حالا دیگر به کلی از حال رفته و بی هوش شده بود. طناب را از سر و رو و بدن او باز کردند و او را به داخل حیاط بردند و در کنار حوض کثیف و آب خزه گرفته ای مثنی آب بر سر و روی او زدند و مجددا او را به هوش آوردند.

خانم پارسای که به هوش آمد نفسی به راحتی کشید و تصور می کرد... با پاره شدن طناب بی گناهی او نیز به اثبات رسیده و مورد لطف خداوندی قرار گرفته است. کمی آرام گرفته بود و دیگر گریه و زاری و ناله هم نمی کرد. پس از گذشت نزدیک به یک ربع ساعت مجددا او را به محل قتلگاه بردند. کارش به جنگ تن به تن کشیده بود. این بار سیم قطور و مقاوم بکسل آوردند و به بالای درخت بستند و سپس سیم دار را بر گردن فرخرو پارسای انداختند و چند جعبه خالی پیسی را زیر پای او گذاردند و دقایقی بعد یکی از دژخیمان مرگ لگد محکمی به جعبه ها زد و جعبه ها را از زیر پای خانم پارسای به گوشه ای پرتاب کرد...»

ساعت یک و نیم صبح روز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۹ بود. سه تیر خلاص بر پیکر بی جان وی شلیک

موازین انتشار نشریه سوسیالیسم امروز: سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است! مقالاتی در این نشریه منتشر میشود که تنها برای این نشریه فرستاده شود. مسنولیت مقالات با نویسندگان آن است. حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ 4 با فونت 12 میباشد. مقالات خود را به آدرس ایمیل زیر بفرستید  
rahmatfatehi@yahoo.co.uk



برای تماس با هیئت هماهنگ کننده تدارک کنفرانس موسس حزب با آدرس ایمیل و شماره تلفنهای زیر تماس بگیرید:

Iransocialist2017@gmail.com  
00447740076631  
0046762349683

هیئت تحریریه:  
رحمت فاتحی- سلام  
زیجی- عزیز اجیکند -  
بابک باجلانی



The screenshot shows the homepage of the website 'Socialism Imroz'. At the top, there is a navigation menu with categories like 'مطالب', 'تاریخ و سوابق', 'فراخوان', 'مقالات', 'مطبوعات', 'مجله', 'مطبوعات', 'مطبوعات', 'مطبوعات'. Below the menu, there are several article teasers with images and titles. For example, one article is titled 'Happy May Day' with a photo of a group of people. Another article is titled 'تجدد باطل' (False Renewal) with a photo of a protest. There are also social media icons for Facebook and Twitter. The layout is clean and organized, with a focus on political and social news.

شد.» (خاطرات و دست‌نوشته‌های فرخ رو پارسای نوشته منصوره پیرنیا)

کشتار این سال ها به فتوی و فرمان و رهنمود آیت الله خمینی انجام شد.

اعدام های زنان: از سال ۱۳۶۰ تا سال ۶۳ غروب و یا صبح زود و روز یکشنبه یا چهارشنبه و دوشنبه یا سه شنبه ۵ شنبه به جز جمعه زندانیان شاهد ان بودند که زنان زندانی از (۱۴ ساله تا ۷۰ ساله) اکثریتشان زنان بسیار جوان شامل می شد. در پشت بلند گو اتاق های بند نامشان می خوانند. آنها را می رفتند. رفتی بی بازگشت اعدام می نمودند بنا به شواهد مختلف، در بین این اعدامیان، چند زن حامله هم وجود داشت

اعدام زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷: واقعه‌ای بود که طی آن عده بسیاری از زندانیان سیاسی در زندان‌های جمهوری اسلامی در ایران در ماه‌های مرداد و شهریور ۱۳۶۷ اعدام شدند. به طور کلی جرم زندانیان همکاری با سازمان‌های مخالف جمهوری اسلامی سازمان مجاهدین خلق همچنین طیف‌های مختلف گروه‌های چپ و بودتعداد قربانیان این واقعه نزد مراجع مختلف متفاوت است. بیشتر اعدام‌شدگان زندان‌های تهران در واقعه تابستان ۶۷ در گورهای دسته‌جمعی گورستان خاوران به خاک سپرده شدند.

منبع : خاطرات فرخ رو پارسای نوشته ی منصوره پیر نیا ، ایرج مصداقی ، لیست اعدام شدگان کانون حقوق بشر.

علیه پیکاری متشکل شویم!